



26 جون 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

مرور کوتاه بر پلانهای پنجساله اقتصادی و اجتماعی کشور (قسمت دوم)

مفکوره طرح پلانهای پنجساله در کشور از کجا الهام گرفت؟

مفکوره پلان های پنجساله و هفت ساله اساساً از نظام شوروی به حیث یک نظام اقتصادی مبتنی بر پلان مرکزی یعنی همه فعالیت ها بوسیله دولت نشأت کرده و اما بعد از جنگ جهانی دوم و مطرح شدن موضوع انکشاف اقتصادی در کشورهای به اصطلاح آنوقت "کم انکشاف و تازه به استقلال رسیده" ایجاب میکرد تا یک قسمت پروژه های انکشافی در ساحات زیربنائی و عامه بوسیله دولت و پروژه های دیگر از طریق سرمایه گذاری های خصوصی بوسیله متشبثان انفرادی پیش برده شوند.

از آنجائیکه از یکطرف روحیه تشبث آزاد در این کشورها در آغاز ضعیف بود و از طرف دیگر فقدان زیربنا های اقتصادی از قبیل سرکها، برق، تهیه پرسیونل مسلکی و غیره وظیفه دولت محسوب می شد، لذا دولت برای انسجام امور و دادن رجحانات به بعضی پروژه های مهمه باید تدابیری را وضع میکرد که به اساس آن لازم بود تا اقتصاد مختلط بیک سمت مطلوب انکشاف اقتصادی، رهبری شود و این رهبری را دولت در بعضی از کشورهای روبه انکشاف خواست تا نخست با طرح پلانهای متوسط المدت یعنی پنج ساله مورد اجرا قرار دهد.

طرح پلانهای پنجساله مفکوره ای نبود که از مغز یکنفر تراوش کرده باشد، بلکه شیوه ای بود که بعد از جنگ جهانی دوم در یک تعداد کشور های کم انکشاف مربوط "جهان سوم" که نه نظام سوسیالیستی نمونه شوروی را و نه نظام سرمایه داری نوع کشورهای غربی را برطبق مقتضیات خود می دانستند، معمول گردید. نخستین کشور که با چنین نظام مختلط و طرح پلان های پنجساله آغاز کرد، همانا کشور هند بود که با ابتکار جواهر لال نهرو در سال 1950 رویدست گرفته شد، متعاقباً کشورهای دیگر از جمله مصر، افغانستان و بعضی کشورهای دیگر جهان سوم به آن آغاز کردند. (اینجانب هنگامیکه هنوز در سال 1342 محصل صنف چهارم پوهنخی اقتصاد پوهنتون کابل بود، مقاله مبسوطی تحت عنوان "هند در راه پیشرفت" را با استفاده از مأخذ متعدد تهیه و آنرا به مجله "اقتصادی چیرنی" - نشریه موقوته آن پوهنخی تقدیم کرد که از طرف اداره نشرات مقاله مذکور به پشتو ترجمه و در شماره 1 و 2 سال 1342 آن مجله به نشر رسید)

با آنکه صدراعظم محمد داؤد هیچگاه از راه و روش "سوسیالیزم" در برنامه های خود بخاطر جلوگیری از سوء تفاهم در بین مردم که تا آنوقت با مفهوم جدید سوسیالیزم آشنا نبودند، بطور مشخص یاد نکرد، ولی ماهیت اقدامات او در طرح پلانهای پنجساله و انکشاف زیربنا های اقتصادی و نیز تحولات اجتماعی خاصاً نهضت زنان و انکشاف تعلیم و تربیه و ذهنیت سازی نسل جوان در امور ملی همه و همه بیانگر راه و روش او به سمت تحول و عدالت اجتماعی برطبق مفکوره جدید "سوسیالیزم" (نوع اروپائی) و استوار برمنافع ملی و اصول اسلامی بنا یافته بود که از آن به بعد در دهه دموکراسی این سلسله با تغییرات کم و بیش ادامه پیدا کرد، چنانکه محمد هاشم میوندوال دومین

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

صدراعظم دههٔ دموکراسی یکی از کسانی بود که به تاسی از همین تحول برای اولین بار کلمهٔ "سوسیالیزم" را در برنامه کاری خود رسماً اظهار داشت. (دیده شود: "بیانیه مبسوط محمدهاشم میوندوال صدراعظم به مناسبت چهل و هشتمین سال استقلال وطن تحت عنوان "عقاید و پروگرام اصلاحات"، که از طریق رادیو افغانستان در سنبله 1345 به نشر رسید و سپس متن مکمل آن به پشتو و دری بوسیلهٔ مطبوعه دولتی در همان وقت چاپ گردید.)

در دوره صدارت محمد داؤد از سنبله 1332 تا حوت 1341ش (سپتمبر 1954 تا مارچ 1963م) با اعلام "نظام اقتصادی مختلط" زیر نام "اقتصاد رهنمائی شده" و رویدست گرفتن پلانهای پنجساله به تاسی از اقدامات مشابه در برخی از ممالک روبه انکشاف، بخصوص کشورهای هند و مصر توجه جدی به انکشاف سریع اقتصادی کشور مبذول گردید که آنرا میتوان بدون شک سرآغاز تحولات عمیق و جدید اقتصادی در کشور دانست.

میرمحمد صدیق فرهنگ در کتاب "افغانستان در پنج قرن اخیر" امتیاز مفکوره طرح پلانهای پنجساله را به عبدالملک عبدالرحیمزی وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد در سالهای اول صدارت محمد داؤد میدهد که حقیقت ندارد. فرهنگ می نویسد: «عبدالملک خان عبدالرحیمزی وزیر مالیه و کفیل وزارت اقتصاد که پلان [پنجساله اول] در زیر نظر او ترتیب شد، از صاحب منصبانی بود که به ترکیه فرستاده شده و در آنجا در شق محاسبه و لوازم اردو تحصیل کرده بود. وی در جریان تحصیل با سیاست اقتصادی آن زمان ترکیه که بر اتاتیزم [نظریات اتاترک] با انکشاف اقتصادی عمدتاً از طریق سرمایه گذاری دولت بنا یافته بود، آشنائی بهم رسانیده و اینک میخواست آن را در افغانستان تطبیق نماید. اتفاقاً شرایط برای اینکار از بسیار جهات مساعد بود، یکی اینکه روش قبلی اقتصادی مبنی بر دادن امتیاز و انحصار بیک دسته از سرمایه داران در نتیجهٔ رکود کارکردهای بانک ملی حیثیت و اعتبار خود را از دست داده بود، دیگر اینکه سبیه و اخلاق صدراعظم جدید که مداخله در هرکار را حق مسلم خود می شمرد، برای اقتصاد کاملاً آزاد مجال کار و فعالیت باقی نمی گذاشت و سوسیالیزم را نیز چه از نوع متکی بر پلانگذاری مرکزی و چه از جنس مبنی بر دموکراسی نمی پذیرفت. بنا براین پیشنهاد عبدالرحیمزی مورد قبول واقع شد و وی دستور یافت تا پلان را براساس نظریهٔ اقتصاد مختلط و رهبری شده که اکنون در یک تعداد از کشورهای جهان سوم در محل تطبیق بود، تهیه و ترتیب نماید.» (فرهنگ، م.م. صدیق: "افغانستان در پنج قرن اخیر"، چاپ پشاور، جلد سوم، صفحه 686 - 687)

در ارتباط با متن فوق لازم به تذکر است که:

– ملک خان در «شق محاسبه و لوازم اردو» در ترکیه تحصیل کرد که "لوژستیک" یک رشتهٔ بسیار اختصاصی اردو میباشد و از مسائل عمومی اقتصاد ملی و سیاست های اقتصادی بسیار فاصله دارد. ملک خان یک اقتصاد دان نبود، تا آگاهی لازم در زمینه داشته باشد و نیز اکثر صاحب منصبان افغان در ترکیه آنوقت تحصیلات خود را بیشتر در مراکز نظامی پیش می بردند و با مسائل سیاسی و اقتصادی ترکیه چانس آشنائی دقیق را نداشتند، بخصوص که ملک خان در حدود دوسال در آنجا تحصیل کرده بود. لذا اینکه او در این مدت توانسته باشد تا برنظام اقتصادی ترکیه محصول افکار اتاترک دست یابد و آن نظریات را بعداً در افغانستان با خود آورده و مورد تطبیق قرار دهد، یک سؤال است.

– با آنکه فرهنگ شخصیت تحصیل کرده در اقتصاد نبود، ولی از طریق مطالعات شخصی تاحدی خود را در این ساحه وارد کرده و از سوابق طرح پلانهای پنجساله در هند و دیگر کشورها آگاه بود،

چنانچه خودش اعتراف میکند که ملک خان «دستور یافت تا پلان را براساس نظریه اقتصاد مختلط و رهبری شده که اکنون در یک تعداد از کشورهای جهان سوم در محل تطبیق بود، تهیه و ترتیب نماید»؛ اما باز هم به حیث یکی از مخالفان سرسخت محمد داؤد هدهدش از اینکه آنرا در افغانستان به ابتکار ملک خان مربوط سازد، چیزی دیگری نخواهد بود جز آنکه میخواست این امتیاز را از محمد داؤد سلب و به یک وزیر مطیع و فرمانبردار او تفویض کند. وزیر موصوف بعدها در کتاب خاطراتش نیز این امتیاز را به خود نسبت داد، اما واقعیت آنست که وزیر مذکور محض به ارتباط وظیفه به اینکار از طرف مجلس وزرای وقت توظیف گردیده بود تا امور تدوین پلان پنجساله اول زیر نظر او صورت گیرد، نه آنکه او بنیان گذار این مفکوره باشد. طوریکه در فوق ذکر شد، باراول طرح پلانهای پنجساله در کشورهای کم انکشاف از کشور هند در اپریل 1951 آغاز گردید و محمد داؤد به تاسی از برنامه های "دیرژیزم" فرانسه و بعداً به ملاحظه تجارب مثبت هند پس از تطبیق اولین پلان پنجساله هند یعنی 1956 تصمیم گرفت تا در چهار چوب اقتصاد مختلط اهداف مهم اقتصادی و اجتماعی را از طریق طرح پلانها پنجساله در کشور آغاز کند.

نگاه مختصر به پلانهای پنجساله اول و دوم:

با طرح اولین پلان پنجساله در اول میزان 1335 ش (22 سپتمبر 1956) با وجود نداشتن تجربه و فقدان ارقام احصائیوی، فهرستی از پروژه ها شامل پلان گردید و در آن تقریباً 8.5 میلیارد افغانی سرمایه گذاری در نظر گرفته شد که 50% آن در ساحه زراعت و آبیاری، 14% به مواصلات و مناقلات، 7% به خدمات عامه (معارف و صحیه) و فقط 2% به صنایع و معادن اختصاص داده شد.

به دلیل کمبودهای مالی، بخصوص نرسیدن قرضه یک صد ملیون دالری اتحاد شوروی و بعضی دلایل دیگر این پلان پنجساله با مشکلات زیاد مواجه شد و هدف اصلی آن نیز که بیشتر متوجه انکشاف زراعت و آبیاری بود، حین اجراء تغییر کرد و جای آنرا پروژه های زیربنائی در ساحه سرکسازی و برق گرفت. پلان پنجساله دوم که طرح آن بیشتر به کمک مشاوران اتحاد شوروی و امریکائی در ماه میزان 1341 ش (1962م) رویدست گرفته شد و با ایجاد یک وزارت بنام "وزارت پلان" امور آن پیشبرده شد، یکی از مهمترین و بطور نسبی یکی از موفق ترین پلانهای پنجساله کشور بود که در دوره صدارت محمد داؤد طرح و تا دوره صدارت محمد هاشم میوندوال (1346 ش - 1967م) در معرض اجراء قرار گرفت.

داکتر کلاوس دورنر Klaus Dornier در کتاب مشهور خود تحت عنوان "انکشاف و سیاستهای انکشافی در افغانستان" *Entwicklung und Entwicklungspolitik in Afghanistan* طی بیش از 400 صفحه پلان پنجساله اول و بخصوص پلان پنجساله دوم افغانستان را مورد بررسی دقیق قرار داده و شرح مبسوطی در زمینه ارائه داشته است (*). طوریکه او در مورد افزایش محصول اجتماعی در ختم دوره پلان پنجساله دوم می نویسد: از نتایج حاصله محاسبه غیررسمی محصول اجتماعی که توسط مشاوران شوروی و امریکائی که با وزارت پلان افغانستان همکاری میکردند، برمی آید: در سالهای 1961 - 1962 محصول اجتماعی غیرخالص به اساس قییم بازار به 30.4 میلیارد افغانی (با نرخ تبادل رسمی آنوقت یک دالر امریکائی معادل 45 افغانی) به 755 ملیون دالر میرسید، اما در ختم دوره پلان پنجساله دوم (1966 - 1967) محصول اجتماعی غیرخالص (با در نظر داشت پایه رشد سالانه 4% و صعود قیمت ها به اندازه 6% درسال) به 54 میلیارد افغانی افزایش یافت.

همچنان موصوف درباره سهم سکتورهای اقتصادی در محصول اجتماعی غیرخالص در طی مدت پلان مذکور تصریح میکند که: سکتور زراعت 70%، سکتور خدمات 18%، معادن 2%، صنایع دستی 10% و سهم صنایع تقریباً 3% محصول اجتماعی غیرخالص را تشکیل میداد، درحالیکه بانک جهانی سهم سکتور خدمات را 45% و سکتور زراعت را در حدود 49% در آنوقت ارزیابی کرده بود.

در ادامه داکتر دورنر می نویسد که: فیصدی مصرف (مخارج استهلاکی)، سرمایه گذاری و پس انداز در طول مدت پلان دوم از سرجمع محصول اجتماعی غیرخالص بین سالهای 1341 و 1346 (1962 - 1967) چندان تغییر نکرد، یعنی سطح مصرف از 90% به 97% بالا رفته، درحالیکه سرمایه گذاری از 20% به 9% و پس انداز نیز از 10% به 2% تنقیص یافته است که در اینصورت بیشترین مقدار محصول اجتماعی غیرخالص به مصرف مستهکین اختصاص داشته و کمتر به سرمایه گذاری و پس انداز برگشت کرده است.

برطبق ارقام مراجع افغان 12% حجم سرمایه گذاری ها در پلان پنجساله دوم از طریق استقراض از بانک مرکزی یعنی نشریپول (بانکوت) کارسازی گردیده که اینکارتنها در سال اول پلان با موجودیت تقریباً یک میلیارد افغانی کسر بودجه انکشافی صورت گرفت و اما در سالهای بعدی این کسر روبه تقلیل گذاشت، چنانکه در سال اخیر پلان مذکور با موجودیت 1.64% مازاد بودجه، دیگر به استقراض از بانک مرکزی لزومی دیده نشد. مقدار پول نقد در دوران از 2.6 میلیارد افغانی در سال 1341 (1962) بالترتیب در سالهای مابعد به 3.1 میلیارد، 3.9 میلیارد، 4.8 میلیارد و 4.6 میلیارد افغانی در سال 1345 (1966) افزایش یافت. (کلاوس دورنر: "انکشاف و سیاستهای انکشافی در افغانستان، به زبان آلمانی، صفحه 21)

از آنجائیکه مبالغ پس انداز در بانکهای افغانستان چندان انکشاف نکرد، لذا استقراض از بانک مرکزی به حیث پول نقد بیشتر در دست مصرف کنندگان قرار گرفت، بدون آنکه به سرمایه گذاری رویت داده شود. درعین زمان چون بیشترین سرمایه گذاریهای دولت در ساحه زیربنا ها صورت گرفت و تولیدات داخلی از آنطریق افزایش لازم نکرد، لذا افزایش در سطح مصرف به تزئید واردات از خارج و درعین زمان به بلند رفتن سطح قیمت ها منتج شد.

درطول پنجسال پلان دوم سطح قیمت ها تقریباً بین 80 تا 90% افزایش کرد یعنی یک متاع اقتصادی که قیمت آن در سال اول پلان 100 افغانی بود در سال پنجم پلان به 180 تا 190 افغانی رسید و اما رجوع کمتر دولت به استقراض از بانک مرکزی دراین مدت موجب گردید تا پول در دوران کمتر افزایش کند و در نتیجه پایه انفلاسیون بلند نرود و حتی به عقب برگشت کند، چنانکه در سال 1344-1345 (1963-64) افزایش قیمت به 35% به نقطه اوج خود رسید و از آن به بعد این فیصدی به نصف تقلیل یافت و پایه انفلاسیون طی دو سال اخیر پلان حتی به 9 تا 10 فیصد پایان آمد.

اگرشاخص (اندکس) قیم بعضی از اقلام را در سال 1341 (1962) به اندازه 100 قبول کنیم، افزایش فیصدی قیم هریک از متاع ذیل در سال 1345 (1966م) یعنی پس از پنج سال از اینقرار میباشد: گندم 96.6%، گوشت گوسفند 79.8%، پیاز 70.6%، تخم مرغ 78.2%، زردک 70.6% و همچنان افزایش قیمت کچالو 13.7%، بادنجان رومی 27.2%، نمک 0.8% و بوره 37.8% میرسید.

در ماه مارچ 1967 قیمت فی سیر (7 کیلوگرام) متاع ذیل به مقایسه قیم وسطی پنجساله از اینقرار بود: آرد فی سیر (قیمت وسطی 36 افغانی) به 71 افغانی، آرد جواری فی سیر (30 افغانی) به 54 افغانی، گوشت گوسفند فی سیر (204 افغانی) به 320 افغانی، گوشت گاو فی سیر (108 افغانی) به 200 افغانی؛ اما مواد غیر خوراکی مثلاً چوب 27.6%، برق 66.7% و قالین 96.8% بلند رفت، در حالیکه قیمت تکه های نخ 10% و صابون 2.4% در این مدت تقلیل یافت. (مأخذ بالا... صفحه 23 و 24)

مصرف مبالغ ذیل در پلان پنجساله اول در سکتورهای آتی پیشبینی شده بود: زراعت و آبیاری 2.7 میلیارد افغانی (29.6%)، ترانسپورت و مخابرات 2.2 میلیارد افغانی (24.2%)، معارف و صحت 0.6 میلیارد افغانی (6.6%)، معادن و صنایع 3.0 میلیارد افغانی (33%)، متفرقه 0.6 میلیارد افغانی (6.6%) که سرجمع آن به 9.1 میلیارد افغانی میرسد.

مبالغ مصرف در پلان پنجساله دوم چنین پیشبینی گردید: زراعت و آبیاری 9.2 میلیارد افغانی (23.5%)، ترانسپورت و مخابرات 9.9 میلیارد افغانی (25.5%)، معارف و صحت 4.4 میلیارد افغانی (11.2%)، معادن و صنایع 13.1 میلیارد افغانی (33.5%)، متفرقه 2.5 میلیارد افغانی (6.3%) که سرجمع آن به 39.1 میلیارد افغانی بالغ گردید.

حالا به مقایسه پیشبینی فوق نگاهی می اندازیم به آنچه در ختم هر یک از دو پلان پنجساله عملاً در سکتورهای ذیل تحقق پذیرفت: زراعت و آبیاری در پلان اول 1.3 میلیارد افغانی (12.6%) - در پلان دوم 4.4 میلیارد افغانی (17.8%)؛ ترانسپورت و مخابرات در پلان اول 5.1 میلیارد افغانی (49.5%) - در پلان دوم 9.6 میلیارد افغانی (38.5%)؛ معارف و صحت در پلان اول 0.8 میلیارد افغانی (7.8%) - در پلان دوم 2.5 میلیارد افغانی (9.8%)؛ معادن و صنایع در پلان اول 2.7 میلیارد افغانی (26.2%) - در پلان دوم 8.5 میلیارد افغانی (33.9%)؛ متفرقه در پلان اول 0.4 میلیارد افغانی (3.9%) - در پلان دوم (؟).

به این اساس سرجمع مصارف واقعی در پلان اول به 10.3 میلیارد و در پلان دوم به 25 میلیارد افغانی رسید که به مقایسه پیشبینی در پلان اول به اندازه 13.2% بیشتر مصرف شد، در حالیکه در پلان دوم به مقایسه پیشبینی (از 39 میلیارد به 25 میلیارد افغانی) به اندازه 36% تنقیص یافت و دلیل این تنقیص در مشکلات تخنیکی پروژه های بزرگ، بخصوص در ساحه بند و انهار بود که برطبق پلان عملی شده نتوانستند.

راجع به تمویل هر یک از دو پلان پنجساله مشکلات زیاد موجود بود، چنانکه یک خلی 60 میلیون دالری که 20% سرجمع مصارف پلان پنجساله اول را می ساخت، تطبیق پلان مذکور را به مشکل مواجه ساخت. همچنان برای تطبیق پلان پنجساله دوم نیز مشکلات از نظر منابع تمویل جدی بود، طوریکه از جمله 734 میلیون دالراز منابع امداد خارجی "پیشبینی شده" که در آغاز پلان فقط مبلغ 300 میلیون دالر آن تثبیت گردیده بود و اما حصول باقیمانده یعنی مبلغ 434 میلیون دالر آن هنوز قطعی نشده بود و نیز به مقایسه پیشبینی از عوائد داخلی برای بودجه انکشافی فقط در حدود 60% آن تدارک گردید.

در تمویل پلان پنجساله اول سهم منابع مالی از اینقرار بود: کمکهای انکشافی خارجی 6.2 میلیارد افغانی (60.9%)، عوائد داخلی 2.5 میلیارد افغانی (23.5%)، سهم سکتور انفرادی - (-)، کسر 1.6 میلیارد افغانی (15.6%) که سرجمع آن به 10.3 میلیارد افغانی در ختم پلان اول رسید؛ در حالیکه در

پلان پنجساله دوم کمکهای انکشافی خارجی 18.8 میلیارد افغانی (75.2%)، منابع داخلی 2.8 میلیارد افغانی (11.2%)، سهم سکتور انفرادی 0.4 میلیارد افغانی (1.6%) و کسر 3.0 میلیارد افغانی (12.0%) که سرجمع مصارف واقعی در ختم پلان دوم به 25 میلیارد افغانی رسید.

در ارتباط با موضوع فوق قابل ذکر است که تسعیر کمک های انکشافی در پلان اول با نرخ رسمی یک دالر امریکائی با 20 افغانی و 50 پول صورت گرفت، اما در پلان پنجساله دوم نرخ تبادله رسمی به 32 افغانی 35 پول تغییر کرد که در نتیجه بر صورت محاسبه مبلغ کمک های خارجی اثر انداخت.

نتایج حاصله از مصرف تقریباً 35 میلیارد افغانی طی 10 سال (مجموع دو پلان پنجساله) در قدم اول ایجاد یک زیربنای استوار برای انکشاف بعدی اقتصاد در افغانستان بود که در نتیجه آن به اندازه 2000 کیلومتر سرکهای مدرن، دو میدان هوایی بین المللی، 307 میلیون کیلوات در ساعت ظرفیت برق، تعداد وافر مکاتب روستائی و شهری و انکشاف تعلیمات عالی و مسلکی همه از جمله زیربنای اساسی بودند که نسلهای بعدی از آن مستفید شدند. با آنکه تأثیر مستقیم این تحولات بر اوضاع جاری آنوقت کمتر محسوس بود و فشار بازپرداخت قرضه ها را برای 15 تا 20 سال بعد ایجاد میکرد، اما تأثیرات آنرا میتوان طی 15 تا 20 سال آینده مشاهده کرد که وضع افغانستان را از یک حالت نیمه بدوی بسوی یک کشور مدرن تغییر داد.

از نظر منابع عوائد داخلی باید گفت که طی دو پلان فوق الذکر عوائد دولت با مصارف همسان قدم نگذاشت و یک قسمت کسر بودجه ناگزیر از طریق استقراض بانک مرکزی یعنی نشر بانکنوت تلافی میگردد، اما این کسر به مقایسه سالهای قبل بسیار کمتر بود، چنانچه در سالهای 1327 - 1330 ش (1948 - 1951 م) کسر بودجه بین 75 تا 80% بود، درحالیکه این کسر در 1335 ش (1965 - 1966 م) به 47% رسید که یک قسمت آن از طریق کمکهای خارجی و قسمت دیگر آن بوسیله استقراض از بانک مرکزی تأمین میگردد. در پلان پنجساله اول از جمله مبلغ 7.8 میلیارد افغانی کسر مبلغ 6.2 میلیارد (89.1%) آن از طریق کمکهای انکشافی و متباقی 1.6 میلیارد استقراض دولت از بانک مرکزی تدارک شد، درحالیکه در پلان پنجساله دوم از جمله 21.0 میلیارد افغانی کسر 86.9% آن از طریق کمکهای انکشافی و متباقی از طریق استقراض از بانک مرکزی تهیه گردید. (مأخذ بالا.. صفحه 44)

داکتر کلاوس دورنر در کتاب خود فصلی دارد در باره اهداف پلان پنجساله سوم (از صفحه 159 تا 218) و در آغاز آن می نویسد که: پلان پنجساله دوم بیشتر به همکاری مشاوران تیم اتحاد شوروی در وزارت پلان تهیه گردید، اما در تهیه پلان پنجساله سوم بر علاوه مشاوران شوروی، گروپ مشاوران امریکائی و آلمانی و بعضی مشاوران بانک جهانی نیز عند الاقتضاء اشتراک داشتند.

(ادامه دارد)

(*) هنگامیکه در سال 1966 در پوهنتون "بوخم" آلمان مصروف تحصیل بودم، با داکتر کلاوس دورنر (اسیستانت پروفیسور در آنجا) آشنا شدم. داکتر دورنر قبلاً مدت دو سال را به مقصد بررسی پلانهای پنجساله اول و دوم در افغانستان سپری کرده بود و با وزارت پلان همکاری داشت. کتاب مستند و با ارزش علمی او تحت عنوان "انکشاف و سیاستهای انکشافی در افغانستان" *Entwicklung und Entwicklungspolitik in Afghanistan* تازه به چاپ رسیده بود و یک کاپی آنرا به من اهداء کرد که از آن استفاده میکردم، اما مهاجرت همه چیز را از دستم ربود. از

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

دوست و هم مسلک دانشمند جناب استاد داکتر محمد نعیم اسد کمال امتنان دارم که به درخواستم لیبیک گفت و با زحمت زیاد یک کاپی آنرا تهیه و برایم از جرمنی ارسال کرد. داکتر دورنر دو سال بعد از چاپ کتابش در اثر یک حادثه ترافیکی در آلمان وفات کرد، ورنه او در نظر داشت تحقیقات مزید را در زمینه ادامه دهد. (یادش گرامی باد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ